

مینا جعفری / مهریه باعث دوام یا آفت خانواده؟

Photo:/www.peace-mark.org

در بررسی موضوع مهریه و خوب یا بد دانستن آن، باید کلیت وضعیت و جایگاه خانواده در قانون مدنی مورد توجه قرار گیرد. در قانون مدنی ایران، حق مالی مهریه، که با وضع قوانین سختگیرانه تر این روزها حقی صعب الوصول برای زنان ایرانی شده است، در برابر حق طلاق یک جانبه مردان تعبیه شده است. لذا در مثبت یا منفی خواندن اثر حق مالی زن در زندگی مشترک باید نیم نگاهی نیز به حق طلاق مردان و عدم ثبات زندگی از منظر زنان داشته باشیم.

به بیان دیگر علت مهم افزایش هنگفت میزان مهریه در جامعه، ارتباط مستقیمی با افزایش عدم امنیت روانی و اقتصادی زنان در جامعه ایرانی دارد و به زعم زنان ایرانی، این ابزار قانونی - یا بهتر است بگوییم تنها ابزار قانونی زنان در برابر حقوق متعدد مردان در زندگی مشترک -، تنها و در دسترس ترین ابزار برای حل این وضعیت بغرنج زن ایرانی در جامعه مردسالار است. در حالی که مهریه بالا الزاماً سبب تحکیم روابط زن و شوهر در زندگی مشترک نشده و نخواهد شد؛ هر چند سبب حفظ ظاهر زندگی مشترک بدون وجود علقه عاطفی زوجین نسبت به یکدیگر می شود، آن هم به بهانه های واهی چون آبرو، وجود فرزندان مشترک یا حتی دلیل واقع بینانه ای چون فقدان حمایت مالی از زنان مطلقه چه در جامعه و چه در خانواده پدری! و دقیقاً به همین دلیل شاهد طلاق های فیزیکی و عاطفی و متعاقب آن افزایش خیانت زنان و مردان متاهل در اجتماع ایران برای حفظ پوسته ظاهری زندگی هستیم.

در واقع بخشی از وظیفه ای که دولت درباره حفظ تامین مالی افراد، چه با تشکیل زندگی مشترک چه بدون آن با اختصاص بیمه تامین اجتماعی برای شهروندان عهده دارد، درباره زنان شوهردار بر دوش شوهر قرار داده می شود و تعیین مهریه بالا این امنیت خاطر پوشالی را برای زنان ایجاد می کند که از وضعیت امن تری نسبت به زنانی که مهریه کم تری تعیین کرده اند، برخوردارند. مرد هر زمان که بخواهد می تواند با استفاده از حق یکجانبه طلاق و پرداخت مهریه اندک زن چه به صورت یکجا و چه به صورت اقساط نسبت به طلاق دادن زن اقدام کند، در حالی که مهریه زیاد به سبب عدم قدرت اغلب مردان در پرداخت، این امکان را از آن ها برای از هم پاشیدن زندگی در هر زمان و به هر دلیل واهی و غیرمنطقی سلب می کند.

اما تجربه دادگاه ها و پرونده های مهریه نشان می دهد که با توجه به تسلط بی چون و چرای نگاه مردسالار حاکم بر دادگاه ها و ایجاد تضییقات متعدد بر بهره مندی زن از تنها حق قانونی اش در زندگی مشترک، مانع دانستن مهریه بالا برای جلوگیری از فروپاشی زندگی مشترک، امر چندان صحیح و معقولی در درازمدت به نظر نمی رسد.

برای مثال پس از تعیین سقف ۰۱۱ غیرشرعی و غیر قانونی عدد سکه برای صدور حکم جلب مرد، نوبت به تعیین اقساط متعدد بر پرداخت مهریه و عدم زندانی شدن مردان در پی تقاضای اعسار از دادگاه، عملاً تنها حق قانونی زنان مورد تمسخر و پامال شدن قرار گرفت. در حالی که اندکی به موضوع حق بی چون و چرای مردان برای طلاق و اعطای این حق به زنان پرداخته نشد.

لذا با توجه به یکپارچه بودن حقوق زن و مرد در قوانین فعلی، پرداختن به مهریه به طور یکجانبه بدون بررسی حق طلاق یکجانبه مرد و عدم تامین مالی زن در جامعه مردسالار ایران امر عبثی است و موضوع مهریه را باید در بافت فرهنگی و تاریخی حاکم بر ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و نمی توان آن را صرفاً خوب یا بد بدانیم. در واقع تغییر قوانین مربوط به مهریه باید همراه با تغییر سایر قواعد و قوانین خانواده باشد تا حقی بیش از این از زنان تضییع نگردد و خانواده نیز از استحکام کافی برخوردار باشد.

منبع: [خط صلح](#)